

## بیانیه‌ی کانون وحدت دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز به مناسبت شانزده آذر

شانزده آذر روز دانشجو است و تاریخی مشخص پشت این نامیدن قرار دارد، از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ تا ۱۶ آذر ۱۳۸۹ که همین امروز است. این روز نمادی است برای مقاومت نهادی مدرن به نام دانشگاه که همواره از تن دادن به استبداد و گریخته است. روز دانشجو نشانی است برای مقاومت دانشجویانی که در طی این سال‌ها خواب از سر استبداد روده‌اند و فصلی از تاریخ مبارزه برای آزادی و برابری را رقم زده‌اند. از خون‌هایی که در سال ۳۲ بر در دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران ریخت، از دانشجویانی که در جنبش چریکی دهه‌ی پنجاه جان خود را برای مبارزه فدا کردند، از سربازی که در ۱۸ و ۲۰ تیر ۷۸ در تهران و تبریز شکست، از سرکوب گسترده‌ای که دانشگاه در سال ۸۶ از سر گذراند، و از تداوم مبارزه در سال‌های اخیر تا آن‌هایی که همینک در زندان هستند، همه تاریخ جنبش دانشجویی را شکل داده‌اند.

جنبش دانشجویی در طی این سال‌ها نشان داده است که همچون خاری بر چشم استبداد، مستقل مانده و تمامی تلاش‌ها برای در اختیار گرفتن دانشگاه و یکدست کردن آن با سایر نهادهای رسمی ناممکن شده است. دانشگاه سنگری ویژه برای مبارزه بوده است و صدای اعتراض و مبارزه‌ی مهمترین جریان‌های اجتماعی همیشه از درون جنبش دانشجویی به گوش می‌رسد. دانشگاه بار تمامی فشار سنگین موجود در جامعه را به دوش کشیده و مکانی بوده است که صدای مبارزات اجتماعی سرکوب شده از درون آن بر می‌خیزد. بدین ترتیب جنبش دانشجویی جنبشی جدا از مبارزات اجتماعی نیست بلکه قالبی است که مبارزات اجتماعی حضور خود را در آن اعلام می‌کنند. تا وقتی جنبش دانشجویی زنده است، یعنی مبارزه ادامه دارد و این مبارزه، پیکاری است معطوف به خارج از نرده‌های دانشگاه. روز دانشجو سمبل مبارزات دانشجویی است و روزی است که می‌باید هر سال از نو آنرا آغازید و به کل پروسه‌ی مبارزه برای آزادی وفادار ماند. از همین روست که تمام تلاش‌ها را می‌کنند تا این روز را در انحصار خود بگیرند و نگذارند ماهیت ضد استبدادی این روز به متن جامعه کشیده شود. این تلاش‌ها تا به امروز بی‌نتیجه بوده و بی نتیجه خواهد ماند و جنبش دانشجویی حتی پس از بدترین سرکوب‌ها دوباره برخاسته و پرچمدار مبارزه باقی مانده است و خواهد ماند. جنبش دانشجویی چند وجهی و سیال است و در درون خود یکدست نیست. این عدم یکدستی البته به عقبه‌ی اجتماعی و به تبع آن به رویکردهایی بر می‌گردد که هر بخش از جنبش دانشجویی می‌تواند نمایندگی کند. فضای بسته‌ی جامعه می‌تواند بر این مسئله دامن زند که کل جنبش دانشجویی در حول مبارزه برای رهایی از این فضای بسته محوریت یابد، اما تاکید ما بر این است که باید از این مسئله فراتر رفت و دست بر روی وضعیت‌های خاص گذاشت تا مبارزات اجتماعی در قالب جنبش دانشجویی پایه‌ای عینی‌تر داشته باشد، حتی اگر این تاکید بر چند دستگی جنبش دانشجویی دامن بزند.

ما در یک لحظه‌ی تاریخی خاص قرار داریم. پس از آنچه که در یک و نیم سال اخیر اتفاق افتاد فصلی نوین در تاریخ ما گشوده شده است. همه دیدند که چگونه و با چه اقتدار میلیتاریستی نظم قدرت به هم ریخت و فصلی نوین مبتنی بر انحصار کامل یک جریان، بواسطه‌ی سرکوب مردمی صورت گرفت که به خیابان آمده بودند. و اینک همه چیز به سمتی می‌رود تا هدف از پیش تعیین شده‌ای را در یکدستی کامل به سرانجام برساند. جنبش دانشجویی در این برهه‌ی خاص باید بر این مسئله تمرکز کند، طرحی موسوم به «هدفمند کردن یارانه‌ها» که نام درست‌تر آن البته «حذف یارانه‌ها» است. این طرح که تمامی مقدمات برای اجرای آن فراهم شده است در اصل ادامه‌ی همان روندی است که از سال‌ها پیش با خصوصی‌سازی بهداشت و درمان، خصوصی‌سازی آموزش و... کلید زده شد و اکنون دارد به نقطه‌ی اصلیش می‌رسد. طرحی که سراسر در جهت فقیرتر کردن فقرا و غنی‌تر کردن اغنیا است و تریبون‌های رسمی هم به کار افتاده‌اند تا دقیقاً مسئله را معکوس نشان دهند و با ترفندهای خاص فقیرپروری همچون صحبت از دادن پول به مردم، اصل ماجرا را

پوشیده نگه دارند. بی‌جهت نیست آن سرمایه‌دارانی که اینک از چرخه‌ی قدرت و تسلط بر منابع اصلی اقتصادی بیرون رانده شده‌اند هم با نفس این طرح موافقت و «صرفاً» مجریان طرح را ناتوان از این کار می‌دانند. این طرح در اصل می‌خواهد بار تامین اجتماعی را از دوش دولت سرمایه‌دار بردارد و دولتی غیرپاسخگو بدون هرگونه کارویژه‌های تامین اجتماعی به دست دهد و دولتی باشد که تماماً حافظ منافع چرخه‌ی سرمایه‌داری حاکم است، و نیروی کاری که فاقد هرگونه حمایت اجتماعی است ارزان‌تر از قبل وارد بازار کار شود. تصمیم هم بر «یک شبه» و اجرای ضربتی آن است تا هرگونه مقاومت مردمی را بتوان با همان ضربت خاموش کرد. اما برای اجرای ضربتی آن مقدمه‌ای آهسته و معنادار اتخاذ شده است. جنبش دانشجویی اگر بخواهد بر رسالت تاریخی خود وفادار بماند باید این مسئله را در دستور کار خود قرار دهد و این برهه‌ای است که می‌توان تکلیف را با کل پروسه‌ی مبارزه برای آزادی و برابری مشخص کرد و نشان داد که اتخاذ چه رویکردی در جنبش دانشجویی با منافع مردم به عنوان نیروی کار همسو است و چه رویکردی در جهت عکس آن است، حتی اگر این مسئله به آسانی قابل تشخیص نباشد. صحبت از ابعاد مختلف این مسئله نیاز به بحث‌های بسیار دارد اما همین اعلام هم فرصتی است برای تاکید بر اهمیت بسیار آن. (در بیانیه‌ی تحلیلی مفصلاً به این موضوع خواهیم پرداخت)

جنبش دانشجویی زیر شدیدترین فشارهاست. از بستن درِ تشکل‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها تا زندانی کردن دانشجویان و احکام محرومیت از تحصیل. سهم ما هم از این فشارها، به عنوان بخشی از بدنه‌ی جنبش دانشجویی، صدور احکام تعلیق تحصیلی در سال گذشته، سنگ‌اندازی و جلوگیری از برگزاری مراسم ۱۶ آذر امسال، و در اقدامی ناشایست سواستفاده از نام تشکل‌های دانشگاه برای برگزاری یک برنامه‌ی «فرمایشی» برای روز دانشجو بوده‌است. ما اما کماکان ایستاده‌ایم و قدمی به پس نخواهیم گذاشت و در برابر این فشارها تسلیم نخواهیم شد و صدایی هستیم در دل کل جنبش دانشجویی. که جنبش دانشجویی در مقابل همه‌ی این فشارها خواهد ایستاد و خاری خواهد بود در چشم تمامی آن‌هایی که از وحشت دانشگاه خواب از سرشان پریده‌است.

به سان رود  
که در نشیب دره سر به سنگ می‌زند،  
رونده باش  
امید هیچ معجزه‌ای ز مرده نیست  
زنده باش.

کانون وحدت دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز